



گذری به زندگی‌نامه

- در نهم اگوست سال ۱۸۹۶ در نیوشاتل سوئیس به دنیا آمد و در ۱۹۸۰ درگذشت.
- پدرش استاد تاریخ قرون وسطی در دانشگاه بود. "پیاژه" از پدرش به عنوان متفکری دقیق و نظامند یاد کرده است.
- او از همان آغاز، خود را به عنوان یک دانشمند شناساند. در ۱۰ سالگی مقاله ای در مورد پرنده ای که به نحو ناهنجاری فاقد رنگ بود، نوشت.
- هنگامی که هنوز دبیرستانی بود، پژوهشی در مورد نرم تنان انجام داد که باعث شد با اساتید خارجی ملاقات کنند.
- در سن ۱۵ سالگی، هنگامی که دریافت اعتقادات مذهبی و فلسفی او فاقد بنیادهای علمی است، به بحران عقلی دچار شد.
- پیاژه در سن ۲۰ سالگی مدرک دکترای خود را در زیست‌شناسی به دست آورد.



گذری به زندگی‌نامه

- ولی در ۳۳ سالگی تصمیم گرفت در مورد روانشناسی کودک به پژوهش علمی بپردازد و رشد ذهن را مورد مطالعه قرار دهد.
- سپس یافته‌های خود را برای پاسخگویی به سوالات در زمینه معرفت‌شناسی و فلسفه منشا دانش، مورد استفاده قرار داد. او این طرح جدید را “**معرفت‌شناسی ژنتیک**” نامید.
- پیازه در سال ۱۹۲۱ و طی کار در آزمایشگاه بینه در پاریس، تصمیم گرفت کودکان را مورد مطالعه قرار دهد. پیازه اندیشید که خردسالان الزاما کم هوش تر از کودکان و بزرگسالان نیستند، بلکه ممکن است نوع تفکر آنان کاملا متفاوت باشد.
- او دریافت که کودکان قبل از ۷ سالگی در مورد رویاها، اخلاقیات و بسیاری موضوع دیگر، از نظر کیفی به نحو متفاوتی فکر می‌کنند.



گذری به زندگی‌نامه

- در سال ۱۹۴۰، بار دیگر به مطالعه کودکان و نوجوانان پرداخت. ولی موضوع پژوهش خود را تغییر داد.
- او در گذشته مواردی مانند رویاها، اخلاق و سایر موضوع های مورد علاقه کودکان را مورد بررسی قرار داده بود، ولی در پژوهش های جدید خود بر درک کودکان از مفاهیم ریاضی و علمی تأکید داشت و تا پایان عمر در مورد همین مسئله کار کرد.
- امروزه به ندرت می‌توان پژوهشی در مورد تفکر کودکان یافت که در آن ذکری از “پیاژه” به میان نیامده باشد.



مفاهیم پایه در نظریه شناختی

ژان پیاژه

- تبادل یک حالت توازن شناختی بین درک ما از جهان هستی و تجربه هایمان است .
(لطف آبادی، ص ۶۹)
- تبادل یابی به معنای جستجو به منظور هماهنگی ذهنی بین طرح های شناختی با اطلاعات کسب شده از محیط (لطف آبادی، ص ۷۰)
- الگوهای سازمان یافته اندیشه و عمل که در تعامل بین انسان و محیط به کار می رود (سیف، ص ۷۰)
- تغییراتی که در یک فرد برای پاسخ به محیط ایجاد می شود . (بیابانگرد، نعمتی ص ۱۵)
- کوشش برای فهم یک چیز جدید از طریق جای دادن آن در درون چیزهایی که از قبل در ذهن خود داریم . (لطف آبادی ص ۷۰)
- فرایند تغییر ساختارهای شناختی پیشین به گونه ای که با آن چه درک می شود متناسب شود . (لطف آبادی ص ۷۱)
- سازمان دادن ترکیب کردن ، مرتب کردن و ترتیب تازه دادن به رفتارها و افکار در نظام های منسجم . (لطف آبادی ص ۶۹)
- ساختمان ذهن یا اندیشه های فرد . واکنش های ارثی نوزاد ، پس از گذشت نخستین روزهای زندگی ، از طریق تجارب از اوتغییر می یابند و به مکانیسم های تازه ای تبدیل می شوند که ساخت های شناختی نام دارند . (سیف ص ۷۳)

مراحل رشد شناختی: مفهوم مرحله

ژان پیاژه



- ❖ مفهوم مرحله در نظریه پیاژه، حاکی از چند جهت گیری قوی در مورد ماهیت رشد است.
- ❖ **نخست** اینکه، انسان ها مراحل را با سرعت های متفاوت طی می کنند، ولی با هر سرعتی که پیش بروند، ترتیب مراحل تغییر نخواهد کرد.
- ❖ **دوم**، مراحل حاکی از آن است که رشد به دوره های کیفی متفاوتی تقسیم می شود. اگر رشد عقلی یک فرایند کمی مداوم بود، هر نوع جدا سازی در مراحل مجزا، مصنوعی به نظر می رسید.
- ❖ **سوم** اینکه، مراحل به ویژگیهای کلی اطلاق می شود. کلبگ می خواست این نکته را از طریق مطرح کردن این سوال مورد بحث قرار دهد: در ۴ سالگی کودک نمی تواند شکل لوزی را کپی کند، اما در ۵ سالگی می تواند این کار را انجام دهد. اگر قرار باشد هر پیشرفت تصویری را مرحله بنامیم، آنگاه هزاران مرحله خواهیم داشت. کودکان ممکن است در زمینه های مختلف، در مراحل متفاوت باشند (مثلا در استدلال علمی، در مقابل استدلال اجتماعی). پیاژه این بی نظمی ها را جابجایی های محیطی می نامد.

مراحل رشد شناختی: مفهوم مرحله

ژان پیاژه



❖ **چهارم** اینکه، پیاژه بر این باور است که مراحل او مبین یکپارچگی های سلسله مراتبی است. یعنی اینکه مراحل پایین تر ناپدید نمی شوند، بلکه با چهارچوب وسیع تر و جدید، یکپارچگی می یابند یا اینکه تحت تسلط این چهارچوب جدید در می آیند.

❖ **پنجم**، پیاژه نیز نظیر سایر نظریه پردازان باریک بین در زمینه مراحل رشد، بر این ادعاست که مراحل او در تمام فرهنگ ها به همین شکل آشکار می شود.

مراحل رشد شناختی

ژان پیاژه



❖ نظریه ی پیاژه یک نظریه ی مرحله ای است.

❖ این مراحل توالی ثابتی دارند به این معنا که افراد در هر کشور و فرهنگی به ترتیب یکسانی از این مراحل را می گذرند. دامنه ی سنی مطرح شده از سوی پیاژه، تقریبی است، برخی کودکان ممکن است مرحله ای را زودتر یا دیرتر طی کنند. (بیابانگرد، نعمتی ص ۴۱)

❖ مراحل پیاپی هستند ولی لازم نیست که کودکان حتماً یک مرحله را قبل از ورود به مرحله ای دیگر به اتمام برسانند.

❖ معیار تحولی تشخیص کم توانی ذهنی این است که یک نفر به کدام مرحله نرسیده است.

❖ در مراحل رشد کندی، توقف و تاخیر وجود دارد ولی پسرفت و طفره (جهش) وجود ندارد.

❖ رشد تحت تاثیر ۴ عامل: **دستکاری فیزیکی و ذهنی در محیط، تعامل اجتماعی، تعادل جوی و خود نظم جوی**

مراحل رشد شناختی

ژان پیاژه

دوره هوش حسی - حرکتی: تولد تا ۲ سالگی
شامل ۶ مرحله است.



دوره تفکر پیش عملیاتی:
۲ تا ۷ سالگی



مرحله عملیات عینی:
۷ تا ۱۱ سالگی



مرحله عملیات صوری:
۱۱ سالگی به بعد



تولد تا ۲ سالگی



مرحله حسی حرکتی

ژان پیاژه

- در این دوره فعالیت های کودک به اعمال حسی و حرکتی محدود می شوند و رفتار کلامی دیده نمی شود. کودک در روزهای نخست بازتاب های مکیدن، چنگ زدن و لمس کردن را به منظور رویارویی با دنیای بلاواسطه خود از طریق جذب و انطباق، سازمان می دهد.
- در این دوره بین حس کردن جهان و عمل کردن روی جهان واسطه ای وجود ندارد. به تعبیر فلاول (۱۹۷۷) شناخت کودک در این دوره ناهشیار و غیرنمادی است که می توان آن را هوش عملی نام نهاد و می توان آن را به برخی رفتارهای غیرنمادی و خالی از تفکر بزرگسالان مانند مسواک زدن، رانندگی کردن تشبیه کرد.
- در این دوره دستکاری های محیط اهمیت زیادی دارد. این دوره، دوره فکر کردن به کمک اشیاء است. مهمترین ویژگی این دوره دست یابی به **پایداری شیء** است. علامت پایان این مرحله نیز **زبان کلامی** است. این دوره دارای **۶ زیرمرحله** است.

مرحله ۱ (تولد تا ۱ ماهگی): مرحله بازتاب های کلی یا فعالیت بازتابی: طرحواره بازتابی

- یک طرح یا طرحواره می تواند هر الگوی عملی برای برخورد با محیط، نظیر نگاه کردن، گرفتن، ضربه زدن یا لگد زدن باشد. ولی اولین طرحواره های آنان اساسا شامل بازتاب های مادر زادی است.
- برجسته ترین این بازتاب ها، بازتاب مکیدن است. نوزادان هر زمان که لب هایشان با چیزی تماس پیدا کند، به طور خودکار آن را می مکند.
- پیازه نشان داد که حتی بازتابی نظیر مکیدن، به سرعت به بخشی از فعالیت خود انگیخته نوزاد انسان تبدیل می شود.
- پیازه معتقد بود که ما به محض آنکه صاحب یک طرحواره می شویم، نیاز به کاربرد فعال آن را نیز احساس می کنیم.

مرحله ۲ (۱ تا ۴ ماهگی) واکنش های حلقوی چرخشی نخستین یا اولین واکنش های دورانی

- هنگامی که نوزاد به طور تصادفی تجربه جدیدی به دست می آورد و تلاش می کند آن را تکرار کند، واکنش دوری اتفاق می افتد.
- مثال ساده ای در این مورد، مکیدن انگشت شست دست است. دست کودک به طور تصادفی با دهانش تماس پیدا می کند، و هنگامی که دست به پایین می افتد، کودک تلاش می کند آن را برگرداند.
- اکثر واکنش های دوری اولیه، از قبیل مکیدن شست، شامل سازماندهی دو طرحواره حرکتی یا جسمانی است که قبلا از یکدیگر مجزا بوده اند.
- مثلا هنگامی که می بینیم نوزادی مکررا دستش را به نزدیک صورت می آورد و به آن نگاه می کند، در حال تمرین یک واکنش دوری اولی است.

مرحله ۳ (۴ تا ۱۰ ماهگی) دومین واکنش‌های دوری یا پایداری مناظر جالب

- نوزاد رویداد جالبی را در خارج از خود کشف و بازسازی می‌کند.
- مثلاً دختر پیازه، لوسین روزی در رختخواب خود خوابیده بود و با پاهایش حرکتی انجام داد که باعث شد عروسک‌های بالای تختش تکان بخورد. او در روزهای بعد، این کار را بارها تکرار کرد.
- نوزادان از نیروی خود یعنی توانایی ایجاد دوباره یک رویداد، احساس شادی و لذت می‌کنند (پایداری مناظر جالب)
- بنابراین تفاوت این واکنش‌های با واکنش‌های دوری نخستین در آن است که این‌ها عادت‌های حرکتی را تغییر می‌دهند و نه بازتاب‌ها را و ضمناً علاوه بر بدن کودک محیط را هم شامل می‌شوند.
- در این مرحله تا حدودی به ثبات اولیه شیء می‌رسد. مثلاً کودک قادر است با دیدن بخش معلومی از یک شیء پنهان شده آن را تشخیص دهد اما اگر تمام شیء را از دید او پنهان کنیم به دنبال آن نخواهد گشت (سیف، ۱۳۸۲). در این مرحله کنترل بیشتر بر رفتار امکان تقلید موثر را فراهم می‌کند هرچند انعطاف و سرعت لازم را در آن ندارند.

مرحله ۴ (۸ - ۱۰ تا ۱۲ ماهگی) هماهنگی طرحواره‌های ثانوی: رفتار عمدی یا هدف گراست

- در این مرحله تمایز بین هدف و وسیله صورت می‌گیرد. کودک می‌تواند از یک وسیله برای چند هدف یا از چند وسیله برای یک هدف استفاده کند. (به واسطه وسیله ای به هدف برسد).
- کودک می‌تواند مجزا بودن نخ را از عروسکی که بالای سر او آویزان است تشخیص دهد و با حرکت دادن نخ (وسیله) عروسک را به حرکت درآورد (هدف) (منصور، ۱۳۸۱).
- ضمناً در کودک رفتار انتظاری به خوبی پدیدار می‌گردد؛ مثلاً با باز شدن در کودک به انتظار ورود کسی می‌ماند.
- در این مرحله در پایداری شیء (conservation of object) پیشرفت عامل می‌شود؛ و کودک شیء را که به طور کامل از دید او پنهان شده جستجو می‌کند؛ اما هنوز قادر به دنبال کردن یک سری جابجایی (یعنی حرکتی که از یک محل اختفا تا محل دیگر اختفا انجام می‌شود) نیست.
- مثلاً اگر شیء را ابتدا در نقطه A و سپس در نقطه B مخفی کنیم کودک بار دوم هم در نقطه A به دنبال شیء می‌رود (کرین، ۲۰۰۰).

مرحله ۵ (۱۲ تا ۱۸ ماهگی) مرحله سومین واکنش های حلقوی یا دوری

- در مرحله ۳ کودک یک کار واحد انجام می دهد تا به یک نتیجه واحد برسد. در مرحله ۴ کودک ۲ کار جداگانه انجام می دهد تا به نتیجه واحدی برسد اما در مرحله ۵ به وسیله انجام کارهای مختلف نتایج مختلف را به دست می آورد.
- در این مرحله کودک از راه کشف رویدادها به هدف می رسد، یعنی درباره رابطه عمل و هدف آزمایش می کند. کودک به کمک یک وسیله مثل مداد، خط کش یا یک تکه چوب به هدف خود مثلا بازیچه مورد علاقه خود دست می یابد. اگر کودک را کنار سفره قرار دهیم می تواند با کشیدن سفره به وسایل روی سفره دسترسی پیدا کند (منصور، ۱۳۸۱) یعنی کودک یک طرحواره را ب صورت وسیله ای به کار می برد تا امکان بکارگیری طرحواره دیگری را به عنوان هدف میسر کند (سیف، ۱۳۸۳).
- در این مرحله کودک می تواند رفتارها را با تغییر دادن آن ها تکرار کند. در خصوص پایداری شیء کودک قادر به درک جا به جایی یک شیء پنهان شده را دارد اما به شرطی که شاهد جا به جایی آن باشد. (برخلاف مرحله قبل که حتی اگر شاهد جا به جایی باشد بازهم در محل A به دنبال شیء می رود).

مرحله ۶ (۱۸ تا ۲۴ ماهگی) مرحله درونی شدن و ترکیب ذهنی روان بنه ها یا مرحله آغاز اندیشه

- به نظر می رسد که کودکان موقعیت ها را قبل از اینکه عملی انجام دهند، به گونه ای درونی تر، مورد ارزیابی و تفکر قرار می دهند.
- شناخته شده ترین مثال از رفتار مرحله ۶، رفتار لوسین و جعبه کبریت است. پیازه زنجیری را در جعبه قرار داد و لوسین بلافاصله سعی کرد آن را پیدا کند. او دو طرحواره برای بدست آوردن زنجیر داشت: برگرداندن جعبه، یا داخل کردن انگشتش در داخل شکاف جعبه. ولی هیچ یک موثر واقع نشد. او سپس عمل بسیار جالبی انجام داد. کارش را متوقف کرد و با دقت به شکاف جعبه خیره شد. سپس چند بار متوالی دهانش را تا جایی که می توانست باز کرد و بست، پس از آن ناگهان جعبه را گشود و زنجیر را برداشت.
- **تقلید تاخیری** در این مرحله اتفاق می افتد.
- توانایی های عمده این مرحله عبارت است از:
 - جا به جایی نادیدنی
 - تقلید تاخیری
 - بازی وانمودسازی

شیردادن

- پایه فکر کردن در سال اول با تأخیر در برآوردن نیاز ضربه می بیند.
- پستانک ضرر خالی است و هوش را کم می کند.
- ویژگیهای شخصیتی مادر از طایق شیر منتقل می شود.
- شیشه هم می دهید بغلش کنید تا عاطفه منتقل شود.



رشد پایداری شی

در خلال مراحل ۱ و ۲، نوزادان هیچ مفهومی از وجود اشیای خارج از خود ندارند. در مرحله ۳، پیشرفت جدیدی حاصل می شود. نوزادان اکنون به دنیای خارج علاقه مند می شوند. اگر اشیای از میدان دید آنها خارج شود به جایی که اشیای تغییر مکان داده اند نگاه می کنند. همچنین می توانند تا حدی اشیای مخفی را نیز پیدا کنند. مرحله ۴ نشانگر آغاز درک واقعی از پایداری شی است. کودکان اکنون می توانند اشیای مخفی شده را پیدا کنند. پیازه البته یک محدودیت جالب را در این مرحله شناسایی کرد. هنگامی که او شی را در نقطه الف مخفی کرد، کودکان او توانستند آن را پیدا کنند، ولی هنگامی که شی را بعداً در نقطه ب مخفی کرد، آنها مجدداً سعی می کردند آن را در نقطه الف پیدا کنند. تنها در مرحله ۶ است که می توانند جابجایی های مخفی را دنبال کنند.



تمايز يافتگي

- در اين مرحله کودکان سرگرم کشف رابطه بين اعمال خود و پيامدهای اعمال خود هستند. برای مثال، کشف میکنند که برای دسترسی به شیء معینی چقدر باید دستشان را دراز کنند. کشف مهم کودک در این مرحله، دستیابی به مفهوم **پایداری شیء** است، یعنی آگاهی از اینکه حتی وقتی اشیاء در معرض حواس نیستند، باز هم وجود دارند.
- مادر نباید غایب باشد تا کودک دچار مشکل روانی نشود؛
- کودک مادر را جزیی از وجود خود می داند و به همین خاطر با نبود مادرش گریه نمیکند اما با تمایز یافتگی در پایان سال اول متوجه می شود و گریه می کند.
- اگر کودک چند مادر داشته باشد، دلبستگی نا ایمن پیدا می کند
- دلبستگی احساس ایمنی می آورد



- ❖ باید بگذارید کودک هر کاری می خواهد انجام دهد؛ فقط محیطش را امن کنید
- ❖ اگر نگذاریم آزاد باشد اختیارش می میرد و اراده اش ضعیف می شود
- ❖ بگذارید خودش غذا بخورد حتی اگر بریزد؛ مگر اینکه خودش بخواد شما به او غذا بدهید.



۲ تا ۷ سالگی



مرحله پیش عملیاتی

ژان پیازه

علت نامگذاری این دوره به پیش عملیاتی آن است که کودکان در این مرحله هنوز قادر به تفکر عملیاتی با منطقی نیستند (عملیات به معنی عمل ذهنی).

در این مرحله قادر به عملیات (اعمال ذهنی که از قواعد منطقی پیروی می کند) نیستند و تفکر آن ها انعطاف ناپذیر و تک جنبه ای است و تحت تاثیر چیزی که در لحظه نمایان می شود.

عواملی که به کودک در عملیاتی شدن کمک می کند (نشانه های مرحله پیش عملیاتی)

- زبان (برای ارتباط)
- کنش های نمادین (برای فعالیت های خلاق و بازی)
- تقلید در غیاب الگو
- تصاویر ذهنی یا بازنمایی ذهنی

۲ تا ۷ سالگی



مرحله پیش عملیاتی

ژان پیازه

خودمداری : یعنی کودک نمی تواند به دیدگاه مشخص دیگری توجه کند. او کلمات را بر اساس تجارب خود تفسیر می کند و به کار می برد و هنوز نمی داند کودکان و نوجوانان دیگر، که تجارب متفاوتی دارند، احتمالاً می توانند تصورات متفاوتی داشته باشند. (کدیور ص ۲۸) او درک نمی کند که چرا برای آنکه برادرش بتواند مطالعه کند باید ساکت باشد!! او قادر به تعدیل رفتار خود بخاطر دیگری نیست.

جاندارپنداری: نسبت دادن خصوصیات موجودات زنده به اشیاء. مثال کودک چهارساله ای که فکر میکند «ماه به پشت ابرها می رود که بخوابد» (لطف آبادی ص ۷۵)

ناتوانی در نگهداری ذهنی به رغم ایجاد تغییر در شکل ظاهری یا وضع مکانی یک شیء اگر چیزی به آن اضافه یا چیزی از آن کاسته نشود در مقدار واقعی آن تغییری ایجاد نمی شود (سیف ص ۷۹)

۲ تا ۷ سالگی



مرحله پیش عملیاتی

ژان پیاژه

- در مرحله پیش عملیاتی مفاهیم کودکان هنوز به معنی واقعی کلمه «مفهوم» نیستند، یعنی از جامعیت واقعی برخوردار نمی باشد. (پیش مفهومی). علت این امر آن است که کودک هنوز به مفهوم طبقات کلی دست نیافته است.
- کودک نمی تواند تشخیص دهد که اشیائی که از یک جنبه به هم شبیه هستند ممکن است از جنبه های دیگری با هم متفاوت باشند.
- منطق کودک بیشتر جنبه تمثیلی دارد؛ یعنی استدلال او از یک امر جزئی به یک امر جزئی دیگر مبتنی است. مثلاً خواهد گفت که چون مامان موهایش را شانه می زند می خواهد از خانه بیرون برود، زیرا دیروز وقتی که خواست از خانه بیرون برود موهایش را شانه زد (سیف، ۱۳۸۲).
- به طور کلی کودک قادر به طبقه بندی برحسب قوانین منطقی نیست.

۲ تا ۷ سالگی



مرحله پیش عملیاتی

ژان پیاژه

- از آنجا که کودکان مفهوم کل را درک نمی کنند، استدلال آنان غالباً تبدیلی است و از جز به جز تغییر می کند.
- لوسین در ۴ سالگی گفت : « من هنوز خواب بعدازظهرم را نکرده ام پس هنوز بعدازظهر نشده است.»
- او هنوز درک نمی کند که بعد از ظهر یک دوره زمانی کلی است.
- پیاژه معتقد است اگر چه زبان فوق العاده حائز اهمیت است و منبعی از نمادهای مشترک را برای ارتباط با دیگران در اختیار ما می گذارد، ولی خود نمی تواند فراهم آورنده تفکر منطقی باشد. بلکه منطق از عمل ناشی می شود.

۲ تا ۷ سالگی



مرحله پیش عملیاتی

ژان پیاژه

- عواملی که مانع عملیاتی شدن کودک می شوند (محدودیت های مرحله پیش عملیاتی)
- ❖ **تک جنبه نگری یا تمرکز (centration):** ناتوانی ذهن در توجه به جنبه های مختلف یک موقعیت در آن واحد
 - ❖ **خود میان بینی (egocentrism):** ناتوانی در توجه به نظر دیگران (علت جاندارپنداری هم خودمیان بینی است). در نظریه پیاژه آگوستریسم در هر مرحله شروع و در انتهای مرحله تغییر می کند ولی هیچ گاه از بین نمی رود.
 - ❖ **فقدان نگهداری (conservation):** ناتوانی در ثبات خارجی علی رغم تغییرات ظاهری. یا ناتوانی در استخراج جنبه های تغییرناپذیر یک شیء از لابه لای تغییر شکل های آن
 - ❖ **فقدان بازگشت پذیری (reversibility):** ناتوانی در انجام دادن یک عمل در جهت معکوس
 - ❖ **فقدان طبقه بندی سلسله مراتب (سازماندهی اشیاء در طبقات و زیر طبقات) یا گنجاندن در طبقه (وندن زندن، ۱۳۷۶)**

چند نکته پیرامون این مرحله

- بچه ها وسایل بازی شان را باید خودشان به حرکت در آورند.
- در این سن تخیل قوی رشد می کند.
- مفاهیم ریاضی و اجتماعی از اینجا شروع می شود.
- سن نقشه ریزی برای زندگی آینده است. لذا تصمیم سازی برای کودک نکنید (شغل / مسجد).
- فکرها برای بچه ها یقینی است = از عذاب و جهنم زیاد نگویند.
- ذهن جستجوگر: هر چیز پنهان را می خواهند کشف کنند.
- اسباب بازی هایی بخرید که خراب شود!
- از سه سالگی ۳ تا قانون یاد بدهید. ۴ سالگی ۴ تا قانون و بعد از آن ۴ تا.
- بدترین نوع تربیت این است که به بچه بگوییم: بگو ببخشید!!!



مراحل رشد شناختی

ژان پیاژه

دوره هوش حسی - حرکتی: تولد تا ۲ سالگی
شامل ۶ مرحله است.



دوره تفکر پیش عملیاتی :
۲ تا ۷ سالگی



مرحله عملیات عینی :
۷ تا ۱۱ سالگی



مرحله عملیات صوری :
۱۱ سالگی به بعد



۷ تا ۱۱ سالگی



مرحله عملیات عینی

ژان پیاژه

- کودک توانایی انجام اعمال منطقی را دارد ، اما با امور عینی و محسوس نه با امور فرضی و پدیده های انتزاعی. به عنوان مثال، اگر این مسئله برای کودک طرح شود که : اگر رنگ موی پریسا از زهرا روشن تر است و رنگ موی پریسا از مریم تیره تر است رنگ موی چه کسی از همه تیره تر است؟ کودک بدون دیدن این سه نفر در کنار هم قادر به حل مسئله نخواهد بود اما اگر این سه نفر در کنار یکدیگر و به طور محسوس برای او قابل رویت باشد جواب صحیح خواهد بود.
- کودکان پنج ساله می توانند راه خانه دوست خود را پیدا کنند ولی نمی توانند راه رسیدن به آنجا را به کسی توضیح دهند یا روی کاغذ بکشند. در این مرحله با اشیایی که دسترس حس مستقیم به آنها دارند سر و کار دارند.

۷ تا ۱۰ سالگی



ویژگی های مرحله عملیات عینی

ژان پیاژه

- درک مفهوم بقاء و یا نگهداری ذهنی: مفهوم بقای عدد، طول، مایع، مفهوم بقای ماده (۷ تا ۸ سالگی) مفهوم بقای سطح (۹ تا ۱۰ سالگی)
- طبقه بندی کردن **classification**: بر اساس ویژگیهای مشترک
- بازگشت پذیری **reversibility** یا تفکر قابل بازگشت **reversible thinking**: عقب برگردان ذهنی یک رشته عمل
- ردیف کردن **seriation**: قرار دادن پشت سرهم بر اساس یکی از ویژگی ها
- این همانی **identity**: تغییرات ظاهری در مقدار واقعی تأثیر ندارند
- رسیدن به عدم تمرکز **decentration**: توجه هم زمان به ابعاد و امور مختلف

۱۱ سالگی به بعد



مرحله عملیات صوری

ژان پیاژه

- کودک به تدریج توانایی تفکر بر حسب امور انتزاعی را کسب می کند.
- اندیشه های فرد علاوه بر اشیاء محسوس، موارد احتمالی و فرضی را نیز شامل می شود . لذا فرد قادر به فرضیه سازی و استدلال قیاسی می شود.
- یعنی می تواند به طرح فرضیه بپردازد و بدون نیاز به مراجعه به اشیاء محسوس به واریسی فرضیه خود اقدام کند.
- مرحله ای که فرد می تواند به صورت کاملا نمادی استدلال کند.
- کودکان به شیوه تفکر بزرگسالانه دست می یابند.

عملکرد معلم در نظام پیازه

- ❑ تشویق به تفکر انتقادی
- ❑ مردود دانستن قبول کورکورانه و حفظ طوطی وار
- ❑ ترویج تفکر خلاق
- ❑ پرهیز از آموزش تحمیلی، معلم مدار، کتاب مدار و برنامه مدار
- ❑ مقایسه نکردن دانش آموزان با یکدیگر
- ❑ ترغیب همدلی و کارهای گروهی
- ❑ عدم نیاز به تقویت های بیرونی
- ❑ عدم فشار برای یادگیری پیش از موعد



ارزشیابی



- ❖ پیازه استعداد های کودکان را کمتر از آنچه هست برآورد کرده است.
- ❖ ممکن است کودک برخوردار از توانایی های مورد سنجش باشد ولی به علت نداشتن مهارت در انجام تکلیف ناتوان باشد.
- ❖ برخلاف نظر پیازه ۴۰ تا ۶۰ درصد بزرگسالان بطور کامل قادر بر تفکر بر حسب عملیات صوری نیستند.
- ❖ انتقاد دیگری که به پیازه می شود مربوط به مفهوم مراحل است. به نظر می رسد مفهوم مرحله ای بودن پیازه با مشکل مواجهه شود و توانایی هایی که مطرح می کند در مراحل قبل هم وجود داند اما در حدی ساده تر. برخی تحقیقات جدید نشان می دهند کودکان زودتر از آن چه پیازه مطرح کرده توانایی هایی را به دست می آورند،



گذری به زندگی‌نامه



- لارنس کلببرگ سال ۱۹۲۷ در برانکس ویل، نیویورک متولد شد.
- وی به عنوان استاد در دانشگاه شیکاگو و دانشگاه هاروارد به تدریس اشتغال داشته‌است.
- او غالباً درس را با مطرح کردن سؤالاتی پراکنده آغاز می‌کرد. دانشجویانش در نخستین روزهای درس نمی‌دانستند چه کنند. اما به زودی متوجه می‌شدند که مقابل دانشمندی واقعی قرار دارند، فردی که درباره مسائل انتقادی عمیق فلسفی و روان‌شناسی فکر می‌کند و آنها را نیز دعوت می‌کند تا با او درباره این موضوعات به تعمق بپردازند. او در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش به سختی تلاش می‌کرد تا اهمیت و ارزش اندیشه‌های روان‌شناسان قدیمی، نظیر ژان ژاک روسو، جان دیویی و جیمز مارک بالدوین را یادآوری کند.
- لارنس کلببرگ (۱۹۵۸) با اصل تئوری رشد اخلاقی پیازه (۱۹۳۲) موافق بود، اما قصد داشت تا ایده‌های خود را بیشتر توسعه دهد. نظریه وی توسعه‌ای بر کار ۲۵ سال پیش ژان پیازه در ارتباط با رشد اخلاقی در کودکان بود.

نظریات رشد اخلاقی

❖ رشد اخلاق در طول قرن‌ها از مهمترین مسائل اجتماعی مورد توجه بوده است . نظریه پردازان بزرگ اوایل قرن بیستم اخلاق را وسیله‌ای برای رشد اجتماعی به حساب آورده اند . مطابق نظر مک دوگال (۱۹۲۸) رشد اخلاقی از مسائل عمده روانشناسی اجتماعی است . از نظر فروید (۱۹۳۰) احساس گناه مهمترین مساله اجتماعی است .

❖ اولین تحقیقات روانشناسی در رشد اخلاق در سالهای ۱۹۳۰-۱۹۲۸ به وسیله دو روانشناس به نامهای هارتشورن و می انجام گرفت و پس از آن تحقیقات پیاژه در رشد اخلاق در سالهای ۱۹۳۲ در کتابی به نام داوریهی اخلاقی کودکان منتشر شد .

❖ سپس روانشناس دیگری به نام لورنس کلبرگ از حدود سال ۱۹۴۸ تاکنون در این زمینه مطالعات گسترده ای انجام داده است .

❖ اخلاق از نظر پیاژه مانند هوش در قالب مراحل نظام دار و پی در پی رشد می‌کند که به رشد شناختی کودک وابسته است و هر مرحله جدید در رشد شناختی سطح بالاتری از آگاهی اخلاقی را به دنبال خواهد داشت.



نظریه رشد اخلاقی پیاژه

□ از نظر پیاژه کودکان تا حدود دو سالگی فقط با مهره‌ها بازی می‌کنند و هیچ گونه قانونی بر فعالیت‌های آنها حکمفرما نیست . این بازیها ممکن است به نوعی تقلید و تکرار از الگو یا نوعی رفتار حرکتی باشد ولی هیچ گونه آگاهی نسبت به قوانینی که در بازی حاکم است وجود ندارد .

□ کودک بین دو تا شش سالگی بزرگترها را نگاه می‌کند که با مهره‌ها بازی می‌کنند و شروع به تقلید آداب بازی از آنها می‌کند . به کار بستن قوانین در این مقطع بسیار خودمدارانه است . کودک فقط آنچه را که دیده است تقلید می‌کند ، کشیدن دایره ، گذاشتن مهره‌ها ، هدف گیری و زدن آنها ، حتی آگاهی نسبت به اینکه از بازی کنار گذاشته شده است نیز به عنوان یک فعالیت اجتماعی وجود ندارد . به اعتقاد پیاژه کودکان حتی در یک بازی جمعی مثل تپله بازی نیز هر یک قواعد بازی را به شیوه خود رعایت می‌کنند و در پایان تمام اعضای گروه برنده می‌شوند . پیاژه دو مرحله گسترده از رشد اخلاقی را بین سنین شش تا دوازده سالگی مشخص کرده است .

نظریه رشد اخلاقی پیازه

□ واقع گرایی در برابر نسبی گرایی پیازه معتقد است محدودیتهای شناختی کودک تا حدود هفت هشت سالگی باعث می‌شود که او وجودی بیرونی برای قوانین قائل شود و آن را غیرقابل تغییر بداند . کودک در این سن تفاوتی بین قوانین اخلاقی و فیزیکی نمی‌شناسد و نمی‌تواند قوانین اخلاقی را وسیله ای برای پیشبرد اهداف و ارزشهای انسانی به شمار آورد . به نظر پیازه در این مرحله کودک قوانین را اضطراری و جبری و اطاعت از آنها را واجب و مقدس می‌داند . کودک علاوه بر دریافت قوانین به عنوان حقیقتی مطلق و بیرونی در مراحل اولیه رشد اخلاقی تصور می‌کند که والدین و بزرگسالان ، مقدس ، همه چیزدان و کاملند . این نگرش در مورد بزرگسالان همراه با واقعگرایی اخلاقی کودک باعث می‌شود که قوانین را غیرقابل تغییر و مقدس بداند .

□ از این مرحله به بعد قضاوت کودک بر اساس نتیجه اعمال نخواهد بود بلکه انگیزه انجام دادن عمل در قضاوت اخلاقی مداخله می‌کند و از این به بعد کودکی که یک فنجان را شکسته بر حسب انگیزه عملش ممکن است از کودکی که ده فنجان را شکسته است گناهکارتر باشد .

مراحل رشد اخلاقی از نظر پیازه

مرحله ۲: اخلاق خودمختار

در این مرحله اخلاق تابع اصولی است انعطاف پذیر که در مورد آن ها توافق جمعی صورت گرفته؛ استفاده از معیار عدالتی معامله به مثل ایده آل (به همان اندازه که برای رفاه خود اهمیت می دهند به رفاه دیگران هم اهمیت می دهند) در این مرحله دیده می شود هم چنین پیشرفت در دیدگاه گیری و اهمیت دادن به نیت دیگران در این مرحله به وجود می آید.

مرحله ۱: اصول اخلاقی دگرمختار (دگرپیرو)

این مرحله از ۵ تا ۱۰ سالگی است. در این مرحله مقررات را صاحبان قدرت به صورت دائمی و تغییرناپذیر وضع می کنند و حتما باید از آن ها اطاعت کرد. افراد به جای نیت روی پیامد تمرکز دارند.

شبهات نظریات رشد اخلاقی پیاژه و کولبرگ

تفاوت نظریات رشد اخلاقی پیاژه و کولبرگ

یکی از نقاط ضعف و تفاوت نظریه رشد اخلاقی کولبرگ در مقایسه با نظریه رشد اخلاقی پیاژه روش پژوهشی کولبرگ است: روش پژوهشی کولبرگ مقطعی یا عرضی با از خلال مقطع هاست cross-sectional ولی روش پژوهشی پیاژه طولی longitudinal است.

- رشد اخلاقی تابع رشد شناختی است.
- رشد اخلاقی مرحله ای است.
- رشد اخلاقی پیشرو و رو به جلو است.
- رشد اخلاقی رشد اخلاق طفره ندارد (مثلا نمی شود از مرحله اول به مرحله سوم رفت بدون گذر از مرحله دوم).
- قائل به طراز توحیدی بودن تحول است (مرحله بعد، مرحله قبل را هم شامل می شود).

اخلاق، مفهومی مطلق در وجود بشر نیست، بلکه ابناء بشر از سطوح متفاوت رشد اخلاقی برخوردارند (موضع خاکستری میان اخلاق مطلق و نسبی)

رشد اخلاقی دارای مراحل است و این مراحل دارای تقدم و تأخر است. بنابراین میتوان نگاهی فرایندی به آن داشت که حاصل این نگاه در گام اول اخلاق را تربیتی، تحلیلی و دارای ابعاد مشخصی میسازد.

رشد اخلاقی با نوع قضاوت افراد قابل اندازه گیری و تحلیل است. بنابراین در بیانی تقلیل یافته نشانه های اخلاقی همانا نشانه های قضاوت افراد و شرح و تعریفی است که از عدالت دارند.

مراحل رشد اخلاقی در میان افراد گوناگون همگون و ثابت است. یعنی فرایند رشد اخلاقی در افراد متفاوت یکی است و تنها تفاوت قضاوت افراد، در جایگاه ایشان در مراحل رشدیاست.

ابعاد نظریه کولبرگ

تفاوت های کیفی

واضح به نظر می رسد که مراحل کلبرگ از نظر کیفی با یکدیگر تفاوت دارند.

کلیت های ساختار یافته

مراحل تنها پاسخ هایی مجزا نیستند بلکه الگوهایی کلی از تفکر هستند که به طور یکسان، خود را در خلال انواع متفاوتی از موضوعات نشان می دهند.

تسلسل غیر قابل تغییر

افراد نمی توانند مراحل را یک در میان سپری کنند یا به شکلی مختلط، از آنها عبور کنند. همه کودکان، الزاما به بالاترین مرحله نمی رسند؛ زیرا ممکن است آنها تحریک هوشی لازم را بدست نیاورند. ولی کودکان تا هنگامی که در مراحل به پیش می روند، این مراحل را به صورت منظم پشت سر می گذارند.

وحدت سلسله مراتبی

مردم بینش های بدست آمده در مراحل اولیه تر را از دست نمی دهند، بلکه آنها را در چهارچوب های جدید و وسیع تری وحدت می بخشند و یکپارچه می کنند.

تسلسل عمومی

تسلسل جنبه عمومی دارد و در همه فرهنگ ها یکسان است.

معیارهای مرحله

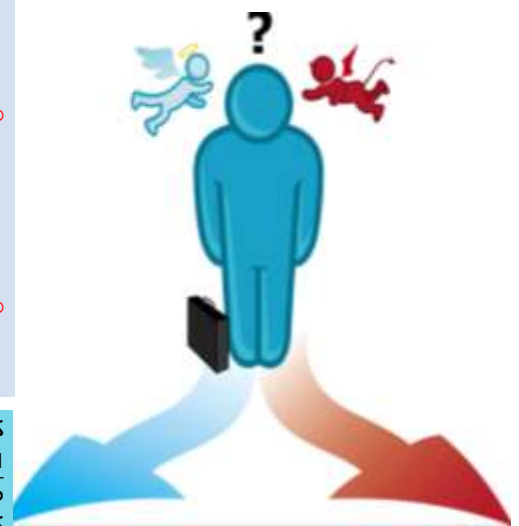
کلبرگ سعی کرد مراحل او تمام معیارهای روبرو را دربرگیرد



روش کلبرگ در ارزیابی رشد اخلاقی

- کلبرگ در نظریه رشد اخلاقی خود مجموعه ای از موقعیتهای مختلف را طراحی کرد که بیانگر معماهای اخلاقی است. این معماها به کودکان داده می شود و پاسخ آنها با مراجعه به طبقه بندی سه گانه اخلاق پیش قراردادی و اخلاق مافوق قراردادی درجه بندی می شود.
- نمونه اولیه کلبرگ یک گروه ۷۵ نفری از پسران بین ده تا پانزده سال بود که در اواسط دهه ۱۹۵۰ از آنها مصاحبه به عمل آورد. او داستان هایی مطرح می کرد و در آنها مسائلی می گنجاند سپس از آن پسران می پرسید که چطور این تنگناهای اخلاقی را حل می کنند؟ آنها هر سه یا پنج سال مصاحبه می شدند و هنوز بعد از چهل سال این مصاحبه ها ادامه دارند!
- با بررسی پاسخ های کودکان در سنین مختلف به این سوالات، لارنس کلبرگ امیدوار به کشف این موضوع بود که چگونه استدلال های اخلاقی با بالا رفتن سن افراد تغییر می کند.

کولبرگ رشد اخلاق را کریتیکال یا انتقادی بررسی می کند یعنی به استدلالهای کودک توجه دارد نه به پاسخ ها و در این راستا با آزمودنی ها مصاحبه کرده سپس با مطرح کردن داستان های بیشتر ادامه می داد تا آن که نمونه خوبی از اندیشه اخلاقی کودک به دست آید.



ارزیابی استدلال اخلاقی و داستان هاینز

یکی از مشهورترین داستان‌های لارنس کلبِرگ (۱۹۵۸) مربوط به مردی به نام هاینز (هاینز هم تلفظ می‌شود) است که در نقطه‌ای از اروپا زندگی می‌کرد. همسر هاینز در اثر نوع خاصی از سرطان رو به مرگ بود. پزشکان معتقد بودند که یک داروی جدید ممکن است او را نجات دهد. این دارو توسط یک داروساز محلی کشف شده بود و هاینز به شدت سعی داشت تا مقداری از آن را خریداری کند، اما داروساز ده برابر پولی که برای دارو هزینه کرده بود را طلب می‌کرد و این خیلی بیشتر از مقداری بود که هاینز می‌توانست تهیه کند. هاینز پس از دریافت کمک‌هایی از سوی دوستان و خانواده‌ی خود، تنها توانست نیمی از پول موردنیاز برای تهیه دارو را فراهم آورد. او به داروساز گفت که همسرش در حال مرگ است و از او درخواست کرد که یا دارو را به او ارزاتر بفروشد و یا به وی اجازه دهد تا مابقی پول را بعداً بپردازد. داروساز پیشنهاد هاینز را رد کرد و گفت او دارو را کشف کرده و می‌خواهد از آن پول به دست آورد. شوهر که از نجات جان همسرش فرامانده بود، پس از آن شب به زور و به طور غیرقانونی وارد داروخانه شد و داروی موردنظر را به سرقت برد.



لارنس کلبِرگ مجموعه‌ای از سوالات مانند موارد زیر را ارائه می‌کند:

۱. آیا هاینز باید دارو را بدزد؟
۲. اگر هاینز همسرش را دوست نداشت، ممکن بود چیزی تغییر کند؟
۳. اگر بیمار موردنظر یک شخص بیگانه یا غریبه بود، هیچ گونه تغییری در این اتفاق به وجود می‌آمد؟
۴. اگر زن فوت می‌کرد، پلیس می‌بایست داروساز را به جرم قتل بازداشت می‌کرد؟ و...

همگی چرا آری چرا نه؟

دوره‌های رشد اخلاقی

● کلبِرگ پس از ۲۰ سال مطالعه درباره چگونگی رشد و تکامل اخلاقی و مصاحبه‌های متعدد با کودکان در مورد داوری‌ها و استدلال‌های اخلاقی آن‌ها به این نتیجه رسید که تحول قضاوت‌های اخلاقی از طریق سه دوره عمومی، متوالی، و سلسله‌مراتبی از برداشت‌های به تدریج متمایزتر و یکپارچه‌تر از عدالت صورت می‌گیرد.

- دوره اخلاق پیش‌قراردادی (پیش عرفی، پیش اخلاقی) ۴ تا ۱۳ سالگی
 - دوره اخلاق قراردادی (عرفی، اخلاق متعارف) ۱۳ تا ۲۰ سالگی
 - دوره اخلاق فراقراردادی (پسا عرفی) ۲۰ تا ۲۵ سالگی و بالاتر
- برای هر یک از این دوره‌ها نیز دو مرحله در نظر گرفت که به تفصیل خواهد آمد.

دوره اخلاق **پیش‌قراردادی** (پیش‌عرفی، پیش‌اخلاقی) ۴ تا ۱۳ سالگی



دآوری‌های اخلاقی کودک مبتنی بر **نیازها** و **لذت‌دوستی** **فودمهورانه** مبتنی است.

اعمال خوب آنهایی هستند که برای شفاف پیامدهای خوبی دارند؛ و اعمال بد آنهایی هستند که، پیامدهای بدی دارند.

(فتار کودک به وسیله **فرایندهای بیرونی کنترل** می‌شود. معیارهای اخلاقی، دیکته شده از سوی منابع بیرونی است و **اخلاق هنوز درونی نشده است**.)

اطاعت کودک اساساً حاصل ترس از **تنبیه** یا به انگیزه به دست آوردن **پاداش** است.

نوع اثر: شخصی و کاهش شر

تنبیه و اطاعت (۴ تا ۱۰ سالگی):

- ❖ تسلیم به قدرت در این مرحله تسلیمی خودمحرانه است؛ یعنی به فواید آن از دیدگاه خود فرد توجه دارد نه به صورت امر و نهی مقدس بزرگسالان که در نظریه پیازه مورد بحث است.
- ❖ تنبیه صرفاً به عنوان عاملی ناخوشایند و آزارنده تلقی می‌شود، و هیچ گونه فلسفه زیربنایی مثل اصلاح یا جبران رفتار خطا برای آن در نظر گرفته نمی‌شود.

- ❖ در این مرحله عواقب یا پیامدهای ظاهری و مادی هر عمل بدون توجه به معنی انسانی یا ارزش آنها تعیین‌کننده خوبی آن است.
- ❖ اجتناب از تنبیه تنها به خاطر نفس اجتناب از تنبیه صورت می‌گیرد نه از این نظر که تنبیه به خاطر برقراری نظم اخلاقی است.

- ❖ قضاوت اخلاقی بیشتر مبتنی بر عواقب عمل و اجتناب از تنبیه است.
- ❖ جهت‌گیری کودک در این مرحله متوجه احترام به افراد معتبر و قدرتمند - معمولاً همان والدین - است و هدف از این اطاعت پرهیز از تنبیه آن‌هاست.

خودگرایی و لذت‌جویی وسیله‌ای (۱۰ تا ۱۳ سالگی):

نوع اثر: شخصی و افزایش خیر

❖ عمل اخلاقی کودک به جای آنکه ناشی از احساس عدالت‌خواهی، سخاوت، همدردی و گذشت باشد جنبه بده بستان و داد و ستد دارد و حاکی از نوعی مقابله به مثل حساب شده و معامله پایاپای خودمحرورانه است.

❖ درک خوبی و بدی اعمال بر مبنای مزایای وسیله‌ای یا معایب آنها در رفع نیازهاست و نه بر این مبنا که اخلاقی یا غیر اخلاقی هستند.
❖ کودک می‌خواهد اطاعت کند تا آنچه را که دوست دارد به دست آورد. به همین سبب خود محورانه و وسیله‌ای نامیده می‌شود.

❖ مرحله‌ای که قضاوت اخلاقی بیشتر بر منافع فردی و داد و ستدهای شخصی مبتنی است.
❖ عمل اخلاقی خوب پیامد مثبت دارد و کودک آن عمل را انجام می‌دهد تا پاداش مطلوب را دریافت کند.

دوره اخلاق قراردادی (عرفی، اخلاق متعارف) ۱۳ تا ۲۰ سالگی

این دوره با تسلیم و اطاعت مشخص می‌شود.

رعایت قواعد و برآوردن انتظارات دیگران از قبیل خانواده، گروه یا ملت و مملکت به منظور کسب رفاهیت یا جلب حمایت آنها صورت می‌گیرد.

قواعد و مقررات از این نظر قابل اجرا و لازم الاطلاقند که از سوی پهردهای سرشناس (مراجع قدرت) یا افراد مهم آمده‌اند.



افلاق، تا مدی درونی شده و شمس فود را به پاره‌ای مقررات یا معیارهای افلاقی که بزرگترها وضع کرده‌اند مقید می‌کند و معیارهای اجتماعی هستند که ارزش رفتار را تعیین می‌کنند نه علاقه یا نفرت فرد

گرایش به پسر خوب یا دختر خوب بودن

نوع اثر: عمومی و کاهش شر

- در این مرحله عمدتاً تأکید بر حفظ وجهه اجتماعی و کسب تایید دیگران است.
- با ورود به این مرحله فرد می‌کوشد نظر مطلوب دیگران را به خود جلب کند، از این رو هر عملی که مورد تایید اطرافیان باشد از لحاظ اخلاقی قابل دفاع است.
- رفتار خوب در این مرحله رفتاری است که روابط حسنه و تایید دیگران را به دنبال داشته باشد.
- در این مرحله رفتار اخلاقی تابع معیارهایی است که دیگران وضع کرده‌اند و عمدتاً ایشان را خوشحال می‌کنند.
- برای کودک بیشتر این مهم است که از اطرافیان، خصوصاً والدین بشنوند که پسر خوب یا دختر خوب هستند.
- در این مرحله رفتارها بر مبنای انگیزه زیر بنایی آنها مورد قضاوت قرار می‌گیرند، مثلاً عباراتی نظیر او قصد بدی نداشته است یا من مطمئنم منظور او کمک بوده است در این مرحله بیشتر شنیده می‌شود.
- **خشنود ساختن دیگران** کاملاً با ارزش و اخلاقی تلقی می‌شود، اما این خشنود کردن به منظور جلب حمایت و تایید دیگران است.



گرایش به قانون، نظم اجتماعی و وظیفه

نوع اثر: عمومی و افزایش خیر

- در این مرحله بر اطاعت محض از قانون یا انجام وظیفه تأکید می‌شود و اطاعت از قوانین برای حفظ نظم اجتماعی صورت می‌گیرد. هر عملی که جنبه قانون شکنی داشته باشد عملاً غیر اخلاقی است.
- در این مرحله **قانون مطلق** است و غالباً تغییر پذیر نیست. قضاوت کودک این است که اگر همه ما هر زمان که احساس کنیم دلیل خوبی داریم قانون شکنی کنیم، هرج و مرج پیش خواهد آمد.
- در این مرحله که تقریباً دوران نوجوانی را در برمی‌گیرد، شخص جامعه‌مدار و قانون‌مدار می‌شود و رعایت نظم اجتماعی را محور اساسی رفتارهای اخلاقی خود تلقی می‌کند.
- نکته قابل توجه در این مرحله آن است که رعایت قانون صرفاً به خاطر خود قانون است، نه از این نظر که قانون با یک فلسفه زیربنایی برای حفظ نظم و رعایت حقوق همگانی وضع شده است.



دوره اخلاق فراقراردادی



- دوره اصول اخلاقی خودپذیرفته مستقل و از روی فهم و درک.
- گرایش در جهت برداشتن گامهایی به سوی اصول اخلاقی جهانی است و این اصول اعتبار خود را جدا از قدرت گروه‌ها یا افرادی که آنها را وضع کرده‌اند و برکنار از همانندسازی شخص با آن افراد یا گروه‌ها حفظ می‌کنند.
- کنترل رفتار جنبه درونی پیدا می‌کند بنابراین اتخاذ تصمیم در مورد یک رفتار مبتنی بر نوعی فرایند درونی قضاوت در مورد آن رفتار برحسب درستی یا نادرستی آن از نظر عقلانی است.
- رفتار اخلاقی و داوری‌های اخلاقی به اصول انتزاعی و اعتبار جهانی توجه دارند. اصولی که مورد توافق همگان باشند.
- در این مرحله ارزش ذهنی و شخصی داوری‌های اخلاقی برای فرد مهم است.

گرایش به پیمان اجتماعی

نوع اثر: عمومی و کاهش شر

- در این مرحله فرد قوانین را به عنوان آرای اکثریت در نظر می‌گیرد و به آنها احترام می‌گذارد، اما لزوماً قوانین را به صورت امور مطلق نمی‌بیند، بلکه آنها را انعکاسی از منافع اکثریت تلقی می‌کند. یعنی قانون نسبی است و برحسب شرایط قابل تغییر و تفسیر است.
- برخلاف مراحل قبلی نوعی انعطاف در مورد اصول و عقاید اخلاقی به چشم می‌خورد. چون فرد قانون را ابزاری محسوب می‌کند که زندگی در پرتو آن هماهنگی بیشتری می‌یابد و حقوق انسان‌ها بهتر حفظ می‌شود.
- اگر مردم احساس کنند که قوانین موجود رافع نیازهای آنان نیست و راه‌های بهتری وجود دارد، می‌توانند از طریق توافق مشترک و روش‌های دموکراتیک در قوانین موجود تغییر و تعدیل به وجود آورند.
- توجه به ارزش‌های شخصی فراتر از قوانین عادی جامعه و داشتن تصویری از عدالت، آزادی، ایده‌های مربوط به شادمانی بهتر و بیشتر، از ویژگی‌های این مرحله است.
- در این مرحله است که مقررات و معیارهای اخلاقی نوعی قرارداد اجتماعی تلقی می‌شوند که وحدت اجتماعی طبعاً مستلزم رعایت آنهاست و به شکل آزادمنشانه یا دموکراتیک پذیرفته شده‌اند. به همین سبب آنها را فوق قراردادی نیز می‌نامند. شخص نیز آنها را محترم می‌شمارد و به میل خودش به رعایت و اجرای آنها ملتزم است.

نقدهای وارد بر نظریه رشد اخلاقی کلبِ برگ

- طرح مراحل فرا قانونی می تواند مشوق هرج و مرج شود؛ ایرادی که بیشتر از سوی سیاست مداران است.
- نادیده گرفتن عوامل فرهنگی: کلبِ برگ و همکارانش شواهدی برای توالی مراحل رشد اخلاقی در کودکان از چند فرهنگ، از جمله امریکا، مکزیک، تایوان و ترکیه، ارائه کرده اند؛ اما شواهدی هم وجود دارد که افراد در موقعیتهای گوناگون قواعد متفاوتی را به کار می گیرند و توالی موردنظر کلبِ برگ در آن موقعیتهای دیده نمی شود.
- نظریه رشد اخلاقی کولبرگ مراحل رشد اخلاقی زنان را نادیده گرفته است و مردمحور است: به نظر گیلیگان هم مردان هم زنان هر دو رشد اخلاقی را دارند و ممکن است یکی از آن ها غلبه داشته باشد ولی به تدریج که به مراحل بالاتر می رسیم به وحدت نزدیک می شوند. (البته این نقد به گیلیگان هم وارد است.)
- اصول اخلاقی پس عرفی به قدری نادر است که شواهد روشن وجود ندارد که نشان دهد مرحله ۶ واقعا بعد از مرحله ۵ روی می دهد.
- تایید عوامل موقعیتی بر قضاوت اخلاقی نشان می دهد مراحل کولبرگ مانند پیازه بدون دقت سازمان یافته اند. افراد به جای این که به شیوه ای مرحله ای رشد کنند به دامنه ای از پاسخ های اخلاقی متوسل می شوند که با توجه به موقعیت تفاوت دارند.
- مبنای قضاوت اخلاقی از نظر کلبِ برگ و همکارانش مبنایی عرفی و اجتماعی است تا مبنایی فردی و شخصی. (چرا که در تحقیقات متاخر کلبِ برگ سطح سوم را به طور کلی حذف کرده چون درصد کمی به آن می رسند)